

«**من پیش روی، گفتاری از** استاد رحیم پور ازغدی درباره سند آموزشی ۲۰۲۰ یونسکو است که در اسفند ماه ۱۳۹۵ به همت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و تحت عنوان «برجام آموزشی» ایراد گردیده است. به جهت اهمیت این موضوع، متن کامل این سخنرانی، عیناً در ذیل پابلانشر شده و نظر خوانندگان فرهیخته و دانشگاهیان گرانقدر بدان جلب می‌گردد:
اصل مسئله فراتر از بحث دولت، سیاست و انتخابات است، من هیچ هدف انتخاباتی از هیچ جلسه‌ای ندارم، ولو نزدیک انتخابات باشد. ما با یک روبرودپستی روبرویییم دوگانگی در سیستم از همان ابتدا وجود داشته است، به‌طوری که افراد عوض می‌شوند ولی سیستم همان است و می‌خواهند مکتب را با آموزه‌های لیبرالی تطبیق دهند، برخی سواد اسلامی ندارند و برخی دیگر حتی سواد لیبرال هم ندارند و فقط به لحاظ سیاسی لیبرال هستند.

دهه آینده که اتمال بنده دیگر نیستیم؛ شما باید مراقب باشید که نظارت دانشگاهی مصداق بارهٔ نینز از منکر و امر معروف و نهی منکر انقلابی است و هر جا خبر رسید که یک فرزند بین‌المللی در هر سطحی با هر سعی و در هر حوزه‌ای منقذ شده است باید سریع توضیح بخواهید که آیا از مجاری اصلی قانون اساسی عبور کرده است یا خیر و چه کسی آن را امضا کرده و دلیل امضا چه بوده است. سال گذشته گفتند که یونسکو تعهد گرفته است که در ۲۰۲۰ در تمام کشورها اجرا شود البته در کلام گفتند که داوطلبانه انجام شده، ولی در عمل، کارنامه‌ی رسمی برای آن تعیین کردند و کشور را متعهد کردند که تا سال ۲۰۳۰ باید این سند پیاده شود، وزارت امور خارجه گفت که اجرای این سند الزام‌آور نیست، ولی بسیاری از فرارادها را می‌گویند الزام‌آور نیست ولی اگر اجرا کنیم، محکوم می‌شویم. دوستان معتقد بودند که ۲۰۲۰ یک نمونه از برجام فرهنگی است که نتیجه برجام پایمال شدن برخی حقوق ملت بود و طرف ایرانی بیشتر به آن متعهد بود و به‌سرعت آن را اجرا کرد، ولی آن طرف ۱۰ درصد راه هم اجرا نکرد و رئیس‌جمهور دید آمریکا نیز گفت آن را پاره می‌کند و مقام معظم رهبری نیز فرمودند: که اگر این برجام را پاره می‌کنند، ما آن را اتش می‌زنیم که برخی گفتند کلام متقل آتش دارند و این افراد مصداق لیبرال مسلکی را انجام دادند. برخی زودتر از آنچه آنها خواستند سند را پیاده کردند و گویا تصویب هیئت وزیران را هم فرقتند، دوستان دانشگاهی می‌گفتند ۳۰ کارگروه تشکیل شده تا بدون اعلام رسمی و بدون نظر مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی این سند عملیاتی شود و شعار درگرونی جهان را در دستور کار گذاشتند و به‌جای اینکه از طرف مردم ایران و مسئولان حرف بزنند، به آنها گفتند که ایران در این قضیه پیشگام است و آنها متشکر کردند.

دو مسئله اصلی در این میان وجود دارد، یکی اینکه قراردادها بین‌المللی بر چه اساسی امضا می‌شوند که از مجاری رسمی عبور نمی‌کند و گویا آزادی پوشاکی وجود دارد، این‌گونه نمی‌شود که تعهد بدهند، اجرا را هم شروع کنند، ولی مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی اطلاع نداشته باشند، در این سند نگاه لیبرال و نئولیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش و زن و خانواده، گرچه اشتراکاتی با مفاهیم اسلامی دارد، ولی نتائقی بی‌بندیه هم وجود دارد. ما نمی‌توانیم تمام این سند و تمام بندها اسلام خلاف است، بلکه در تمام قراردادهای بین‌المللی بندهایی هم وجود دارد که مخالف اسلام نیست، بنابراین ما با تمام بندهای این سند مخالفت نداریم، ولی می‌توانیم جزا اسناد بالادستی را دور می‌زنند و چراچی چنین قراردادهای را امضا می‌کنند، درحالی که برخی مفاد آن خلاف مبانی اسلام و قانون اساسی کشور است.

نگاهی که صریحاً می‌گوید هرنوع تربیت دینی، الهی،

خلاف حقوق بشر است، ولی آموزش جنسی تحت عنوان بهداشت برای کودکان را جزو حقوق کودک می‌دانند که حتی به بلوغ جنسی نرسیده است و عملاً آموزش را ذیل یک ایدئولوژی دیگر قرار می‌دهند.

یکی از گزینه‌های روی میزشان کنار بمب اتم، باید ایدئولوژی باشد که نقد شود، این چه نگاهی به کودک و خانواده و زن است؟ یا عاویشی مانند محدودیت‌های خودسرانه، معلمان والدین را زیر سوال می‌برند و دست والدین را از سر فرزند برمی‌دارند و آموزش مسائل جنسی به کودک را حق او می‌دانند، ولی آموزش تقوای جنسی و حیا به کودک را پایمال کردن حق او به حساب می‌آورند. در لیبرال آموزشی گفته‌اند آموزش متون دینی محل خلاقیت است و باید از مدارس حذف شود، لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرال اعلام کرد که ما ما بدین کاری نداریم و خودمان با عقل خودمان می‌سنجیم، البته عقل با برهان حجت است، ولی عقل آنها هوی نفس است که ناشر را عقارتیت می‌گذارند، لیبرالیسم یعنی نفس و آنها با ایدئولوژی نفسانی می‌خواهند نظام آموزشی ایجاد کنند.

اخلاق را مسخره می‌کنند، حیا را مسخره می‌کنند، دست معلم و پرورمادر را تحت عنوان آزادی لیبرال از سر کودک برمی‌دارند و همه را تحت عنوان اینکه ما افراد را نجات می‌دهیم به ذیل نظام سرمایه‌داری می‌زنند، اینها حق همجنس‌بازی را جزو اصول حقوق بشر قرار می‌دهند و می‌گویند حتی اگر ۹۹ درصد یک جامعه به مسئله‌های رای موافق دهند، ولی آن مسئله در چارچوب لیبرال نباشد، آنها آن مسئله را دموکراسی نمی‌دانند.

می‌خواهند هم در آموزش و پرورش غیررسمی مانند رسهانه و هم در آموزش و پرورش رسمی، نگاه بازاری به اندیشه و اخلاق داشته باشند، تعریفشان از آموزش و پرورش نگاهی کاملاً ضددینی و سکولار است، هرچند که شاید ۸۰ درصد هم با نگاه اسلامی مطابق باشد، ولی حرف ما همان ۲۰ درصد است که این قراردادها اگر الزام‌آور نباشد هم ابرور است، زیرا براساس همین‌ها هر سال مارا تعداد عنوان نقض حقوق بشر محکوم می‌کنند.

اینها از همجنس‌بازی گفتند و آقایان امضا کردند و

می‌گویند الزام‌آور نیست، در رأس این کشورها انگلیس، آمریکا و صهیونیست‌ها هستند، شورا‌های نظارتی همین‌ها هستند و بزرگ‌ترین متخلفان حوزه‌های مختلف هم همین‌ها هستند.

جامعه مدنی جهانی در دنیا وجود ندارد، چیزی به نام دموکراسی جهانی نیست، بلکه دیکتاتوری جهانی داریم، به‌طوری که چند کشور برای همه تصمیم می‌گیرند و اگر بین اینها اختلاف بیفتد، عده‌ای تنفس می‌کنند ولی به‌طور کل تمام جنگ‌های دنیا و نقض حقوق بشر زیر سر کشور‌های ۵۱۱ امت و مبنای آموزش و پرورش آنها می‌خواهند براساس سکولار بنیان بگذارند و می‌گویند دولت نباید از مذهب حمایت کند و در هیچ تجایی قانون اساسی کشورها نباید نامی از دین رسمی وجود داشته باشد و دین را یک مسئله شخصی مانند علاقه به رنگ‌ها و غذا می‌دانند و می‌گویند دین نه‌تنها در سیاست، بلکه در حوزهٔ تعلیم و تربیت هم نباید دخالت کند.

می‌گویند حتی اگر یک جامعه صد درصد مسیحی و مذهبی باشد، مصلح حق ندارد در کلاس از مسیحیت بگوید. یک روش‌نمان این است که با پی‌سپس می‌برند و روش دیگر این است که مانند انقلاب فرانسه با گیوتین سر افراد را قطع می‌کنند، البته همین‌ها که شعارشان به‌دار کشیدن



جناب رئیس‌جمهور! به گوش رسیدن اخباری از فسادها و پرونده‌های رانت‌خواری که بخشی از آن به تعدادی از دولتمردان و «زدیدکان» شما نسبت داده می‌شود، برخلاف شعار «امید» دولت یازدهم موجی از ناراحتی و ناامیدی را در جامعه گسترش داده است.

📌

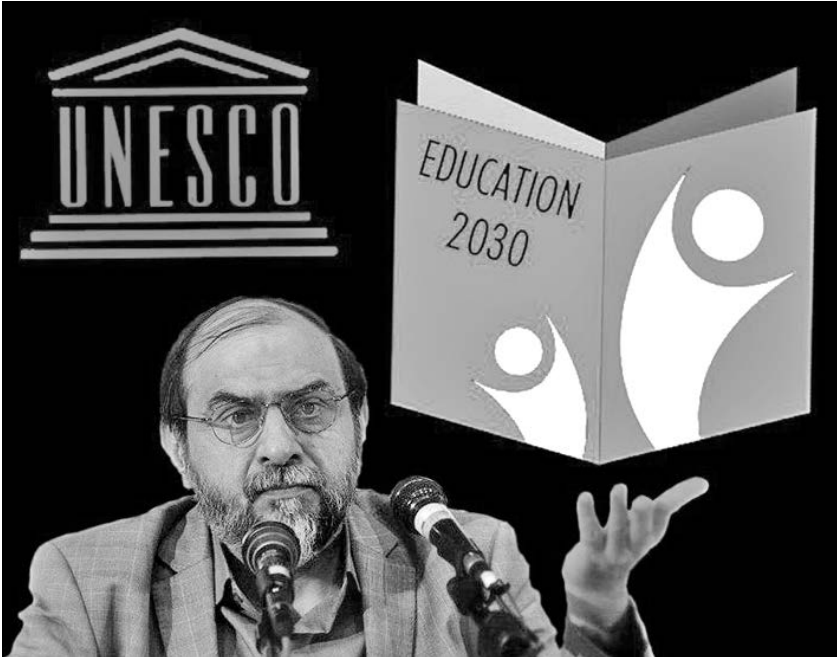
کلان اقتصاد کشور، حل‌معضل‌های بیکاری،

گرانی، رکود و… وجود دارد و وعده‌های عمل نشده مردم را لحظه به لحظه نسبت به دولت محترم یازدهم بدگمان‌تر می‌کند و البته نکته مهمتر این است که آن چیزی که حکم تنگ‌پاشیدن بر زخم مشکلات اقتصادی را دارد، بی‌عملی دولت یازدهم و همچنین عبور نه بی‌تفاوت بلکه با شوخی و تمسخر حضرت‌تعالی از کنار این مسائل است.

حتما به سیمع شما هم رسیده است که به جز آن «تقریبا هیچ» که از زبان جناب سیف رئیس کل بانک مرکزی شنیده شده، دیگر آمارهای اقتصادی که از لسان شما یا بخش‌های دیگر دولت دربارهٔ گشایش فضای اقتصادی اعلام می‌شود مورد تایید قاطبه اصحاب علم، اقتصاددانان و اساتید برجسته دانشگاه نیست و اکثر گزاره‌هایی که در آماردهی‌های اقتصادی مطرح می‌شود، برای افکار عمومی وارپذیر

استاد رحیم‌پور ازغدی:

«سند آموزش ۲۰۲۰» کاپیتولاسیون فرهنگی است!



آخرین شهاب یا روده‌های آخرین کشیش بود، انقلاب ما را فرستادند.

خودشان با نظام سرمایه‌داری در تمام حوزه‌ها خالت می‌کنند، ولی اسسشن را ایدئولوژی نمی‌گذارند. با انقلاب فرهنگی تمام کارها را انجام می‌دهند و انقلاب فرهنگی آنها نیز مانند انقلاب فرهنگی ما نبود که سروصدا داشته باشد، ولی کاری تمام نشود، این‌واقا انقلاب فرهنگی کردند و گفتند در تمام رشته‌های علمی همه چیز را از صفر شروع می‌کنیم و این کار را انجام دادند، انقلاب فرهنگی ما فقط اسسشن انقلاب فرهنگی بود و تا همین حالا برخی دروس تغییر نکرده است.

برخی می‌گفتند ما تندرو هستیم، در حالی که اگر تندروی هم بوده، خودشان در آن زمان انجام می‌دادند، کام‌(ره) دانشگاه‌ها را تعطیل نکرد، بده همین‌ها که خودشان حالا ما را به تندروی محکوم می‌کنند، دانشگاه را تعطیل کردند، در مقابل چشمان خودمان فقط با گذشت یک نسل تاریخ را تحریف می‌کنند و دروغ محض منتقل می‌کنند. آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون ایدئولوژی خودش را عوض نکرده است، ولی مسئولان ما ایدئولوژی را تغییر می‌دهند. اسرائیل یک کلمه از حرف‌هایش عقب نیامده و اگر جای نمی‌تواند حرف‌هایش را از آنجا زورش نمی‌داند و انقلاب ما نگذاشته است که این کار را انجام دهند، ولی مسئولان ما گاهی جلو می‌روند و گاهی با پس می‌کشند. ترامپ حرف‌هایش را می‌زنند که فکسر می‌کنم انجام نمی‌دهد، ولی پیش از ترامپ چیزی را نمی‌گفتند و انجام می‌دادند، در آمریکا می‌گویند بگزارید در مدارس نماند‌های مذهبی باشد، باشگاه‌های مذهبی ایجاد شود، ولی برای ما مرزندی می‌کنند. من از مسئولانی که پای این اسناد را امضا کرده‌اند خواهش می‌کنم به سوالات ما پاسخ دهند. اینها سوالات پژوهش افراد دانشگاهی است.

می‌گویند بخشی از اینها وارد برنامه ششم شده است، یک برنامه چهارم هم در اواخر دهه ۷۰ وارد شد که یک روش‌نمان این است که با پی‌سپس می‌برند و روش دیگر این است که مانند انقلاب فرانسه با گیوتین سر افراد را قطع می‌کنند، البته همین‌ها که شعارشان به‌دار کشیدن

ارسال اطلاعات دقیق در مسائل آموزشی به سازمان ملل، مانند مسائل هسته‌ای است که گفتند به آمریکا نمی‌گوییم در حالی که سازمان ملل نوکر آمریکاست، ما باید به بانک جهانی، یونسکو و یونیسف گزارش دهیم. تمام اطلاعات آموزشی، منابع، محتواها، آموزش‌گیرندگان و اساتید را باید به آنها اعلام کنیم، یعنی به‌طور رسمی خودمان برای آنها جاسوسی می‌کنیم!

📌

بسیان می‌کنند و ما آن را امضا می‌کنیم، متلاً می‌گویند اقتضار آسیب‌پذیر باید موردحمایت باشد، ما هم آن را امضا می‌کنیم، ولی تعریف آنها از اقتضار آسیب‌پذیر این است که همجنس‌بازان نیز جزو این اقشار به حساب می‌آیند.

آمریکاجاره نمی‌دهد یک کلمه خلاف قانون اساسی کشورش مطرح شود. حتی در مورد مسائل هسته‌ای با اینکه مسبب اتم دارد، قراردادها را امضا نمی‌کند، ولی ما که بمب نداریم باید امضا کنیم، یعنی حتی قوانینی که خودشان نوشته‌اند را امضا نمی‌کنند و به ما می‌گویند که امضا کنیم، دوستان می‌گویند ۲۰۲۰ داوطلبانه اجرا کردیم، یعنی هنوز به ما الزام نشده است، انجامش دادیم، حتی برجام را هم سریع انجام دادیم و طرف مقابل را به وجدانش سپردیم که ۹۰ درصد آن را اجرائی نکرد. در مورد ۲۰۲۰ نیز کسی در آسیا و قیانونیه قدمی برنده‌اشه که ما داوطلبانه انجام می‌دهیم، در صورتی که آنها هم چنین توفعی ندارند، ولی ما پیش‌دستی می‌کنیم.

دیبر کمیسیون یونسکو، جمهوری اسلامی را به عنوان کشور پیشگام اجرای تدات‌کلام لازم برای ۲۰۲۰ معرفی کرده و از طرف غرب، از ایران تقدیر می‌کنند، یعنی حتی آنها هم توفع چنین کار را از آن ناشندند و این سند هم ما را غافلگیر کرد و هم آنها را.

از سوی دیگر، نرخ رشد جمعیت اصران سفر است؛ یعنی ۲۰ سال بعد تمام مذهب‌کند باید به خانه سالمندان تبدیل شود و دشمن کاری که می‌خواست در کشور ما انجام دهد، ۲۰۰۰ سال طول کشید که اروپا و غرب به این وضعیت برسند، ولی ۲۰ ساله رسیدیم، با این سرعتی که پیش می‌رویم، ۲۰ سال طول خواهد در ایران چه تعریفی دارد؟! آنها نظام تربیتی خود را به ما تحمیل می‌کنند و حالا می‌خواهند از کودک ۵ ساله خودمان را شروع کنند و خودمان هم داوطلبانه و با پول خودمان این کار را برایشان انجام می‌دهیم.

بانک‌های سرمایه‌داری غرب، هسته پوششویی جهان است، ولی آنها به ما در مورد پوششویی دستور می‌دهند و ما امضا می‌کنیم، گویی عملش امضا وجود دارد، امضا می‌کنند تا تکند غری‌با بگویند ما مدرنترین نیشنیم، در حالی که ما مکتب انبیا را داریم، به ملت عزیز می‌داریم که مسیر تاریخ

📌

بگوییم چطور سیاست‌های آنها در مدارس‌مان اجرا کردیم، گاهی می‌گویند قرارداد را به شرط تحفظ امضا کردیم، در حالی که همین حرف‌ها برای ما مشکل ساخته است، ما می‌گوییم کسی قصد خیانت نداشته، گاهی صدمه حماقت از خیانت کمتر نیست، حتی اگر فرد نیت خوبی داشته باشد، به‌طورمثال بحث رف تعییش را با منظور خاصی

دولت یازدهم برخلاف وعده‌های ۱۰۰ روزه و به رقص در آوردن کلید نمادین حل مشکلات، نه تنها آورده اقصادی برای مردم و محروم قشر مستضعف و محروم کشور نداشته، بلکه عملکرد آن باعث شده که جیب مردم هر روز خالی‌تر از گذشته شود!

📌

فرهنگیان و… طرح می‌شود و عموماً بی‌جواب رها شده است بیشتر از اینکه نیازمند افتاشگری متقابلانه دولتمردان درباره رقبای سیاسی‌شان باشد، نیازمند پاسخگویی در برابر افکار عمومی است. متأسفانه زمانی این مسائل بیش از قبل مس‌تشنده می‌شود که برخی از این مفسدان، بجای مجازات، از سوی دولتمردان شما «ذخیره نظام» نیز معرفی می‌شوند.

اگر بنا را بر این بگذاریم که در ارزیابی عملکرد دولت یازدهم جنب انصاف رعایت شود، باید به این مسئله هم اشاره کرد که با وجود همه بی‌عملی‌ها و تاکارآمدی‌هایی که بخش گسترده کارنامه دولت یازدهم را شامل می‌شود الحق و الانصاف دولت در عرصه رسانه قدرتمندتر از دیگر عرصه‌ها حاضر شده است. هر چند این استراتژی رسانه‌ای آن هنگام که حضرت‌تعالی با ششلوار گرمکن یا جوب اسکی در مقابل لنز دوربین قرار می‌گیرید قدری پوپولیستی می‌نماید اما انصافاً به راه انداختن قدرتمندانه بازی‌های فرعی و حاشیه‌ای توانست مجال خوبی برای فرار دولت از پاسخ دادن به مسائل اصلی فراهم کند.

برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه و به هنگام مشاوران رسانه‌ای دولت یازدهم با مانور بر اظهارات شاد و حاشیه‌ساز برخی از منتقدان سادهدل دولت که آن‌ها هم از مسائل اصلی مردم فاصله دارند، توانست جور تمام تاکارآمدی‌های دولت در بهبود وضعیت معیشت مردم را بکشد و دوگانه‌سازی‌های موسمی و جو سازی‌های رسانه‌ای در مقاطع حساس و بحرانی توانست دولت را از «موقعیت بحرانی پاسخگویی»! فراری دهد.

با وجود همه این‌ها و با اطلاع و آگاهی از اینکه در فته‌های آتی و تا روزهای باقی مانده تا انتخابات ریاست جمهوری، جریانات سیاسی مختلف باز هم احساس تکلیف کرده و پس از چهار سال، دوباره قدم به دانشگاه خواهند گذاشت و احتمالاً بازار کف و سوت‌های هیجانی این است که عموم دانشگاهیان بنا را بر این گذاشته‌اند که با تشکیل مجامع و نشست‌های

نیست و باید تعطیل شود.

در ایران گویا همه دکتر هستند و همه مدرک دارند، در حالی که حتی نمی‌توانند مشکل خودشان را حل کنند، چه برسد به مشکل جامعه، این مسئله باید اصلاح شود. نمی‌دانم اینهایی که برای نماینده مجلس شدن و رئیس‌جمهور شدن تلاش می‌کنند، برای مشکلات کشور چه فکری کرده‌اند، باید بدانند که ریاست هدف نیست، بلکه هدف خدمت است، ولی هر لیستی را که می‌بینی ممکن است شعارها متفاوت باشد، ولی عملکرد همان است، هر سال از اقتصاد مقاومتی می‌گویند، ولی فقط حرف می‌زنند، در حالی که مقام معظم رهبری بحث اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده‌اند، یعنی فرمودند حرف را تمام کنیم. ۲۰۲۰ بگونه‌ای است که براساس آن مستشاران خارجی باید به آموزش و پرورش ما نظارت کنند.

هر کجای دنیا که پیشرفتگی صورت گرفته، براساس نظم و حساب و کتاب بوده، ما غرب‌گرایی می‌کنیم ولی این مسائل را رعایت نمی‌کنیم و به جای آن پای سند سند همجنس‌بازی را امضا می‌کنیم، بحث عقیم کردن کارتن‌خواه‌ها را مطرح کردند، در حالی که بطور کلی نباید اصلاً کارتن‌خوابی وجود داشته باشد، که چنین بحثی مطرح شود، ولی در همان نظام سرمایه‌داری ببینید که چه تعداد کارتن‌خواب وجود دارد.

می‌گویند باید گزارش سالانه به آنها ارائه دهیم که چقدر اینترنت بدون فیلتر در ولایتی زنان و کودکان قرار می‌دهیم، البته ما که در این مسائل ولتور رفتیم، ولی چرا باید به آنها تعهد بدهیم؟ می‌گویند برای کنترل جمعیت باید به آنها تعهد بدهیم، هر رشد جمعیت‌مان به صفر رسانیم است. و حالا که آنها می‌خواهند باید آن را به زیر صفر برسانیم.

می‌گویند باید دولت دینی، عقیدتی، سیاسی و اخلاقی داشته باشید، بحث تجارت جهانی را براساس سازمان تجارت جهانی مطرح می‌کنند، بحث مدیریت سواحل ایران را مطرح می‌کنند و برای برابرا اسناد بالادستی کنار گذاشته می‌شود و دیگر نباید قوانین خودمان را رعایت کنیم و حتی دولت ما باید تحت نظارت آنها قرار بگیرد، البته برخی مسائل مانند آموزش همگانی جزو شعارهای خودمان بوده، اما وقتی اینها را هم عمل کنیم گویا به دستور آنها عمل کردیم.

صوتبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را گزینشی عمل می‌کنند که با این سند دیگر همین مقدار هم عمل می‌شود، به‌طوری که گاهی می‌خواهند به عنوان نطقفچی در یونسکو استفاده شوند، بلکه آنجا حرفی نزنیم که آقایان عمل کنند.

ارسال اطلاعات دقیق در مسائل آموزشی و اجتماعی به سازمان ملل مانند مسائل هسته‌ای است که قرار بود سازمان ملل نظارت کند و گفتند بسه آمریکا نمی‌گوییم در حالی که سازمان ملل نوکر آمریکاست، ما باید به بانک جهانی، یونسکو و یونیسف گزارش دهیم. تمام اطلاعات آموزشی، منابع، محتواها، معلمان، آموزش‌گیرندگان و اساتید را باید به آنها اعلام کنیم، یعنی به‌طور رسمی خودمان برای آنها جاسوسی می‌کنیم.

در موضوع هسته‌ای ۱۲۰ کشور از ما حمایت کردند ولی آنها این کشورها را جعالی جهانی نمی‌دانند و فقط خودشان

سه، چهار کشور را جامعه جهانی می‌نامند، می‌گفتند امام(ره) با جهان فیر بود، در حالی که امام(ره) با این چند جهان‌خوار قهر بود، نه با جهان.

آمریکا دلچسار بیماری خودجهان‌بنداری است و غربزبه‌ده‌های داخلی دچار بیماری آمریکاجهان‌بنداری هستند، با سند ۲۰۲۰ نهادهای نظارتی ما تقریباً حذف می‌شود و اسناد آنها بر اسناد ما مقدم می‌شود. من به دولت خاصی نظری ندارم، جریان لیبرالی مرعوب غرب را همیشه داشته‌ایم، حالا هم هست. برخی هم قصد خیانت ندارند، ولی مانند برجام عمل می‌کنند که یک برجام آمریکا دارد و یک برجام هم در دل‌مان داریم، ولی نهادهای بین‌المللی برجام آمریکا را قبول دارند.



دانشجوی شهید محمد تجلا

شهید محمد تجلا به سال ۱۳۳۴ در شهرستان تبریز به دنیا آمد.تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود با موفقیت به پایان رسانده و در آزمون سراسری سال ۱۳۵۴ دانشگاه‌ها شرکت نمود که از رشته «ماداشلین کشاورزی» دانشگاه تبریز پذیرفته شد.

فعالیت سیاسی شهید تجلا از زمان ورود به دانشگاه شروع شد. وی در روشنگری دانشجویان و تشویق آنها به مبارزه بر علیه مارتز، نقش زیادی داشت به طوری که از طرف شهرتاری به فیض غارم شهادت نایل آمد.

